



شهربانو شکیبافر  
مریم جزایری

# حجاب

## در جامعه امروز ما

### در نشستی با تعدادی از دانش آموزان بررسی شد

اشاره

حجاب یک حکم الهی است که تأثیرات فردی و اجتماعی ویژه‌ای در مقاطع مختلف زندگی بشر داشته و خواهد داشت. گرایش معتقدانه و آگاهانه‌ی مردم جامعه نسبت به فلسفه‌ی حجاب و وجوب این حکم الهی، نیازمند اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و آگاهی دادن هر چه بیشتر به مردم، به ویژه به نسل جوان است. برای تبیین فواید حجاب، به طور ریشه‌ای، از آغاز کودکی باید تمهیداتی فراهم شود. چرا که این تکلیف الهی، ریشه در فرهنگ و باورهای مذهبی ما داشته و بخشی از اعتقادات عمیق و ماندگار این سرزمین است.

به منظور تبیین فواید حجاب و علل برخی حجاب‌گریزی‌ها، نشستی با حضور تعدادی از معلمین دروس دینی و قرآن و هم‌چنین تنی چند از دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه در محل دفتر انتشارات کمک آموزشی برگزار گردید که از نظر شما می‌گذرد. اسامی شرکت‌کنندگان در این نشست به شرح زیر است:

خانم مرضیه شبیر خدایی دبیر منطقه‌ی یک تهران، خانم مریم جزایری دبیر شهرری، خانم شهربانو شکیبافر دبیر اسلام شهر، اکرم طالب‌نساب، سیده نسیم زارعی، محدثه محمدی و محبوبه سادات مهدیان دانش‌آموزان پایه‌ی اول تا چهارم متوسطه.

**شکبیافر:** جنبه‌های فردی و اجتماعی حجاب و علت حجاب‌گریزی بعضی از جوانان و نوجوانان در سطح جامعه چیست؟  
**مهدیان:** باید فلسفه حجاب را به‌طور واضح توضیح داد. این که رعایت حجاب صرفاً چون دستور الهی است صورت گیرد، کفایت نمی‌کند، چون جوان‌ها از دلایل وجوب آن بی‌خبرند و فقط به دلیل دستور الهی بودن آن مجبور به رعایت حجاب شده‌اند. در واقع رعایت حجاب از روی ناآگاهی انجام شده و از روی اختیار و آگاهی انجام نگرفته است.

**محمدی:** نباید احساس فشار کند! تا با فکر و رغبت به سوی حجاب برود. در غیر این صورت شاید لجبازی کند و حرف دیگران را نپذیرد. اگر یک جوان حجاب را با تفکر و آگاهانه تجربه کند، متوجه می‌شود که حجاب برایش بسیار با اهمیت است. بنابراین، تا خود ما نیندیشیم و موضوع حجاب را تجزیه و تحلیل نکنیم، علاقه‌مند به پذیرش آن نخواهیم بود.

**شیرخدايي:** به نظر شما ما باید به جوانان خود در چه محدوده‌ی دینی آنان، اجازه بدهیم تا حجاب را تجربه کنند؟

### ضرورت بالا بردن آگاهی جوانان

**مهدیان:** به نظر من وقتی دختر به بلوغ شرعی رسیده، باید حجاب خودش را رعایت کند. قبل از آن هم باید از طریق خانواده، مهد کودک و نهادهای مسئول، باید توجیه شود. چنین نوجوان بالعی می‌تواند فکر کند و به درستی تصمیم بگیرد. چرا که شرعاً به بلوغ رسیده و قادر است در خصوص مسائل دینی فکر کند. قبل از سن بلوغ باید به

بچه‌ها آگاهی بدهند و آن‌ها را تا حدی آزاد بگذارند. در همان دوره‌ی سنی پیش از بلوغ هم طولی نمی‌کشد که راه درست را انتخاب کند. ولی اگر آگاهی کافی نداشته باشد و در این خصوص با او صحبت نشود و یا صرفاً با استناد به دستور خدا ملزم به رعایت حجاب شود، با این که حجاب را رعایت می‌کند ولی هم‌چنان توجیه نشده و دلیل آن را ندانسته است.»

ولی وقتی به دوره‌ی راهنمایی یا دبیرستان می‌رسد، به حجاب پایبند نیست، چون فلسفه‌ی آن را نمی‌داند و صرفاً به جهت رسیدن به نه سالگی و بلوغ شرعی و سن تکلیف و دستور خدا حجاب را رعایت کرده است.

**طالب‌نسب:** من فکر می‌کنم از همان اول که فرد به دوران بلوغ می‌رسد، نباید رعایت حجاب را به او تحمیل کرد و باید اجازه داد که یک جوان با چیزهایی که می‌بیند و می‌فهمد به طور عادی و نه با زور و اجبار، به سمت رعایت حجاب کشیده شود.

**شیرخدايي:** حالا اگر نوجوان در خانواده‌ای باشد که به حجاب زیاد مقید نباشند، فکر می‌کنید آیا از خانواده تبعیت خواهد کرد یا این که در سنی قرار دارد که خوب را از بد تشخیص دهد و راه درست را انتخاب کند؟

**طالب‌نسب:** نمی‌توانیم بگوییم که خانواده تأثیر گذار نیست و خانواده به طور صددرصد تأثیر خودش را روی کودک خواهد گذاشت. ولی باز بهتر است خود کودک بیندیشد و راه درست را انتخاب کند، راهی که نشان‌دهنده‌ی رشد و بلوغ او باشد.

**زارعی:** شخصیت بچه از کودکی شکل می‌گیرد. اگر بخواهیم او را آزاد بگذاریم، احتمالاً قادر نخواهد بود که به درستی فکر کند و به بلوغ شرعی واقعی برسد. در برخی موارد، بعضی از کودکان اسماً به نه سالگی رسیده‌اند و با آزادی خانواده، به سمت بی‌حجابی می‌روند. چرا که توانایی تشخیص راه درست را ندارند. مثلاً اگر به ما بگویند اعتیاد بد است، لزوماً نباید آن را تجربه نماییم و سپس راه درست را انتخاب کنیم. چرا که تجربه‌ی اعتیاد، عواقب بسیار بدی دارد. بنابراین، لازم نیست یک کودک بدحجابی را تجربه کند و روحیه‌اش آسیب ببیند تا پس از آن، به سراغ حجاب بیاید.

بهتر است از همان بچگی و حتی در سه یا چهار سالگی چادر را به کودک بدهم و به موازات با طرح مطالب و داستان‌های شیرین او را با حجاب مانوس کنیم، به‌طوری که فرهنگ حجاب و چادر و داشتن پوشش کامل برایش عادت شود و با آن کنار بیاید. در این صورت احتیاجی به فشار هم نیست.  
**شیر خدایی:** این در واقع همان توصیه‌ی دین اسلام است.

زارعی:  
حجاب  
و چادر و  
پوشش کامل  
برای یک  
زن مسلمان،  
بخشی از  
فرهنگ اصیل  
و اعتقادی  
او محسوب  
می‌شود  
محمدی:  
از همان  
کودکی باید با  
دلیل و منطق  
کودکان را  
توجیه کرد.  
وقتی کودک  
منطقی فکر  
کند می‌تواند  
به درستی نیز  
تصمیم بگیرد





## ظاهر نامناسب برخی از کودکان

**محمدی:** به نظر من، کودک نسبت به جوان روحیه‌ی لطیف‌تری دارد و حرف مرا بهتر می‌پذیرد، چرا که ذهن او از بی‌حجابی خود یا دیگران تأثیر نپذیرفته است. من فکر می‌کنم از همان بچگی، باید با دلیل و منطق کودکان را توجیه کرد. وقتی کودک منطقی فکر کند، می‌تواند تصمیم درستی بگیرد. در جامعه که نگاه می‌کنیم بعضاً خانواده‌ها بچه‌ها را با ظاهری نامناسب وارد جامعه می‌کنند، با این نگاه که او هنوز بچه است و نیازی به رعایت حجاب ندارد. در حالی که اگر این کودک از همان دوران بچگی، حجاب خودش را رعایت کند، وقتی بزرگ‌تر شود، به دلایل رعایت حجاب پی می‌برد. ولی وقتی به اسم بچگی او را به رعایت حجاب مقید نکنند، در بی‌حجابی احساس راحتی می‌کند و دیگر نمی‌خواهد این راحتی را از دست بدهد و حجابش را رعایت کند.

**شیرخدايي:** شهید مطهری مطرح کرده‌اند که تربیت اسلامی و الهی، انفجاری، آنی و ناگهانی نیست بلکه تدریجی است. عکس آن نیز صادق است به طوری که متأسفانه به تدریج، بدون این که خانواده‌ها بخواهند، روی فرهنگ بی‌حجابی و بدحجابی کار شده است.

امام صادق (ع) در محفلی نشسته بودند و یاران ایشان نیز حضور داشتند. یکی از یاران امام همراه دخترش وارد می‌شود و در احوال‌پرسی حاضران با او دختر پنج یا شش ساله‌اش را هم می‌بوسند و هم‌چنان از این آغوش به آن آغوش می‌رود تا به امام صادق (ع) می‌رسد. آن حضرت به جای در آغوش گرفتن آن دختر، خطاب به اصحاب می‌فرماید زمانی که دختر شما به پنج یا شش سالگی رسید به او یاد دهید نه در آغوش نامحرم قرار بگیرد، نه کسی را ببوسد و نه کسی او را ببوسد.

این تربیت یعنی تربیت تدریجی. یعنی تربیتی که از ابتدا باید انجام شود. مثلاً مدیر من می‌گوید اگر می‌توانی کاری کن که حجاب این جوانان درست شود. در حالی که درست شدن حجاب جوانان، به پیشینه‌ی خانوادگی و اعتقادی و معلمینی که قبل از من با این دانش‌آموزان سروکار داشته‌اند، برمی‌گردد. اگر من در همه‌جا، همین‌گونه باشم که در کلاس هستم، بچه نیز تأثیر می‌پذیرد و تربیت می‌شود. مثلاً خود من، تاکنون به دخترانم نگفته‌ام چادر سرشان نکنند. چرا که مرا دیده‌اند و در محدوده‌ی خانه و خارج خانه با حجاب خانواده آشنا شده‌اند. این‌گونه نبوده که شخصیت من، در خانه متفاوت باشد. حالا نامحرم می‌خواهد در خانه باشد یا در جامعه. باید حریم‌ها رعایت شود. پس این‌ها به فرهنگ‌سازی، آن هم از بدو کودکی نیاز دارد و براساس تأکید دین ما، به عملکرد

والدین حتی قبل از انعقاد نطفه برمی‌گردد. پس ما نمی‌توانیم عنصر حجاب را دفعتاً و از یک دوره‌ی سنی خاص که بچه عادت کرده است اعمال کنیم.

**محمدی:** صحبت من هم همین است. می‌گوییم یک کودک قبل از این که به سن بلوغ برسد، باید فلسفه‌ی رعایت حجاب را بداند. مثلاً من یک دختر خاله دارم که هفت سال دارد و وقتی چادر سر می‌کند، همه او را تشویق می‌کنند. او هم خوشحال می‌شود. حتی زمان ما هم این‌گونه بود. وقتی چادر نماز سرمان می‌کردیم، خانواده ما را تشویق می‌کرد و ما با خوشحالی این کار را ادامه می‌دادیم ولی دلیل این را که چرا حجاب خوب است و باید آن را رعایت کرد، نمی‌دانستیم. مثلاً خود من، از چهارم دبستان چادر به سر می‌کردم. آن زمان دلیل این کار را نمی‌دانستم و فقط چون مادرم این کار را می‌کرد، می‌خواستم مانند آدم بزرگ‌ها باشم و چادر سر کنم. ولی وقتی به دوره‌ی راهنمایی رسیدم، دنبال دلیل رعایت حجاب بودم. پدرم اصراری به چادر پوشیدن من نداشت ولی مادر برای پوشیدن چادر اصرار می‌کرد. خواهرم به چادر زیاد مقید نبود و مانتو می‌پوشید. ولی مادرم با او صحبت می‌کرد و برایش از خوبی چادر می‌گفت. به طوری که الآن دوست دارد چادر سرش کند و از دوره‌ی دبیرستان نیز شروع به چادر سر کردن کرد. من می‌گویم چرا فقط، بچه‌ها را تشویق می‌کنند. البته بچه‌ها تشویق را دوست دارند و علت را نمی‌پرسند ولی توجیه کردن بچه‌ها قبل از سن بلوغ و مطلع نمودن آن‌ها به فلسفه‌ی حجاب، باعث استمرار این کار می‌شود. خیلی از دوستان من در ابتدای چادری بودند ولی در دوره‌ی دبیرستان، چادر را کنار زدند و هر دلیلی برای آن‌ها می‌آوردیم نمی‌پذیرفتند.

**شیرخدايي:** البته من فکر می‌کنم متناسب با سن و سال، روش تربیتی باید متفاوت باشد. یعنی بچه‌ای که در دامان مادر است یک جور الگوپذیری دارد. در زمان تولد و در دوره‌های مختلف نیز الگوپذیری



**طالب‌نسب:**  
خانواده به طور  
صدرصد تأثیر  
خودش را روی  
کودک خواهد  
گذاشت. ولی  
باز بهتر است  
خود کودک  
بیندیشد و  
راه درست  
را انتخاب  
کند، راهی که  
نشان‌دهنده‌ی  
رشد و بلوغ او  
باشد





## فطری بودن حجاب

**جزایری:** شاید فطری بودن حجاب، برای بعضی از افراد خیلی روشن نباشد. می‌گویید همه‌ی خوبی‌ها در فطرت انسان وجود دارد و همان احساس ناراحتی از گناه و گرایش انسان‌ها به سمت خوبی‌ها، نشان‌دهنده‌ی فطری بودن این مسائل است.

اما به نظر من، شما باید اول ثابت کنید که حجاب خوب است و سپس فطری بودن آن را ثابت کنید. گرچه اصل این است که اگر عکس آن اثبات شود، خوب بودن حجاب هم قابل اثبات است. معمولاً مراجعه به کتاب‌های تاریخ و اطلاع یافتن از پوشش‌های زنان در طول تاریخ مقبولیت حجاب را اثبات می‌کند. این که ادیان قبل از اسلام هم، حجاب را قبول داشته‌اند، حتی چادر، که در کشور ما نشانه‌ی حجاب برتر است، به عنوان نماد پوشش در دوران زرتشت و در دوران قبل از اسلام در میان ایرانیان رواج داشته است. این سوابق تاریخی (که در نقوش برجسته تاریخی کاملاً نمایان است) به نوعی فطری بودن حجاب را اثبات می‌کنند، اما ارتباط حجاب با آیات و روایات بسیار محسوس است که هرچند کمتر به آن توجه می‌شود. رسول خدا (ص) می‌فرمایند: هر نوزادی براساس فطرت خدادادی‌اش زاده می‌شود، سپس پدر و مادر وی باعث می‌شوند که او یهودی یا مسیحی یا زردشتی شود.

شاید برخی از افراد درخصوص اسلام این را مطرح کنند که پدر و مادر آن‌ها باعث شده‌اند که مسلمان شوند که تا حدودی حرفشان قابل توجه است. البته باعث افتخار است که، از پدر و مادر مسلمان به دنیا آمده‌ایم و از نسلی کافر و مشرک زاده نشده‌ایم، اما این کفایت نمی‌کند و باید مسلمان بودن خود را با عمل به تکالیف الهی تثبیت کنیم و گرنه بدون عمل صالح اسلام ما سطحی و زودگذر است.

ارتباطی که با آیات برقرار می‌شود در مورد آیاتی است که خداوند در بدو خلقت، در مورد آدم و حوا به صورت داستان بیان کرده است. و در تمام کتاب‌های آسمانی، از جمله در تورات و انجیل با وجود اختلافاتی که در این خصوص دارند، نقطه‌ی مشترک دیده می‌شود و آن هم اشاره‌ی هر سه کتاب به خوردن از میوه‌ی ممنوعه است که باعث آشکار شدن بدی آن‌ها گردید. در قرآن به صراحت و بدون این که وارد جزئیات شود، گفته شده که آن‌ها با خوردن میوه‌ی ممنوعه بدی‌هایشان برایشان آشکار شد و منظور از بدی‌ها، مشخصاً برهنگی و عریان بودنشان است. اگر دقت کنید، فطری بودن حجاب، دقیقاً در این آیات مشخص است، چرا که قبل از آمدن حکم پوشش از سوی خداوند، به محض

او تغییر می‌کند. حتی در خانواده‌هایی که خیلی به مسئله‌ی حجاب پایبند نیستند، وقتی به پیشینه‌ی خودشان برمی‌گردند می‌بینند که در این خانواده نیز یک بچه‌ی سه یا چهار ساله با شوق خاصی چادر سر می‌کند و نماز می‌خواند به طوری که مادر او متعجب می‌شود که چگونه با این که خودش این‌گونه نیست، بچه‌ی او به حجاب و نماز گرایش دارد. این مسئله نشان می‌دهد که گرایش به حجب و حیا و تمایل به خوبی‌ها یک امر فطری است و در وجود همه‌ی انسان‌ها قرار دارد. بی‌شک کودک در محیط‌های پاک‌تر گرایش بیش‌تر و دقیق‌تری به این خوبی‌ها دارد. اما چه می‌شود که با بزرگ‌تر شدن یک جوان، این گرایش کمرنگ‌تر می‌شود. برای این که در محیط هم‌سن و سال‌های خودش قرار می‌گیرد. اگر دوره‌ی ابتدایی الآن را با ده سال قبل مقایسه کنید، متوجه می‌شوید که تفاوت‌ها بسیار زیاد شده است، چرا چون تربیت‌های ما به تناسب زمان‌ها و شرایط متفاوت است. کودک در زمانی فقط الگوپذیر است و نگاه می‌کند که مادر و اطرافیانش چه کاری انجام می‌دهند و بسته به گرایش فطری خود، به آن وادی پا می‌گذارد. ولی وقتی به مرحله‌ای رسید که چون و چرای این مسائل را می‌طلبد و به محیطی که هم‌سن و سال‌های اوست پا می‌گذارد، با مسائل بیش‌تری آشنا می‌شود. به درست و غلط آن کار نداریم. تازه متوجه می‌شود که چه تقلید کورکورانه‌ای کرده است. بنابراین، باید به بچه‌ها، از سنی که رشد و بلوغ فکری آن‌ها آغاز می‌شود و مسائل را با گرمی می‌پذیرند، اهمیت و فواید حجاب را بگوییم تا وقتی به دبیرستان می‌رسند، نسبت به این امر الهی شناخت کافی داشته باشند. در واقع خودمان با روش‌هایی که به کار می‌گیریم به بچه القا می‌کنیم که معقول باشد یا خیر. وقتی او را وادار کردیم که هرچه می‌گوییم بی‌چون و چرا بپذیرد، این مشکلات ایجاد می‌شود. لذا باید متناسب با رشد روحی، روانی و تربیتی کودک، روش‌های مناسب به کار گرفته شود.

شیر خدایی:  
مانمی توانیم  
عنصر  
حجاب را  
یک باره و در  
یک مقطع  
سنی خاص  
دختران  
اعمال کنیم





این که آگاه شدند، خودشان را پوشاندند.

و بر اساس گرایش فطری خود با برگ‌های بهشتی، که در قرآن هم آمده، خود را پوشانده‌اند. و جالب است که در سوره‌ی اعراف به دنبال این داستان و به مرور، بحث لباس مطرح می‌شود.

مبحث حجاب در بخش دوم کتاب معارف، پایه‌ی چهارم دبیرستان آمده است. در پایه‌ی دوم نیز، بحث آراستگی را در خصوص عفاف و بحث حجاب و نوع پوشش را داریم. هم‌چنین، اشاراتی راجع به تمدن اسلامی و انواع پوشش و لباس و تغییرات آن در طول تاریخ اشاره شده است.

این‌جا به اظهارات خانم شیرخدایی برمی‌گردیم که گاهی محیط، نه تنها این نوع گرایش‌ها را رشد نداده بلکه عاملی هم برای جلوگیری از آن بوده است. همین که حجاب فطری باشد، خواه ناخواه ظاهر می‌شود و برای همیشه از بین نمی‌رود. اما اگر به یک سری از گرایش‌هایی که در انسان است بیش از حد پرداخته شود، زمینه‌ی بروز گرایش‌های مثبت از بین می‌رود. جامعه‌ی امروز، مخصوصاً در قرن‌های اخیر پس از افول قدرت کلیسا و بعد از دوره‌ی رنسانس و تمدن جدید، دقیقاً در این حالت بوده و مسیر تعیین پوشش هم، به سمت این انحطاط رفته است. یعنی تحت تأثیر غرایز و تمایلات انسان‌ها قرار گرفتن و «هرچه بیشتر خود را عرضه کردن» یک ارزش شده است. به‌طوری که، آرام آرام این فطرت ارزش‌مند را که گرایش به پوشش، حجاب و عفاف در انسان‌ها بوده تحت تأثیر قرار داده و منزوی کرده است.

الآن که در کشورهای اسلامی درخصوص حجاب زیاد بحث می‌شود، ما باید تأکید بر فطری بودن آن را فراموش نکنیم و در عین حال، با اعتدال گام برداریم. افراط و تفریط، جز این که اصل حجاب را زیر سؤال ببرد نتیجه‌ی دیگری ندارد و گاه این حکم الهی در بخش طنزهای اینترنتی مورد مضحکه قرار می‌گیرد.

پس باید در تبلیغ حجاب، مسئله‌ی فطری بودن، به عنوان یک نکته‌ی بسیار مهم مدنظر باشد.

### محدودیت یا مصونیت حجاب

**شکیبافر:** فواید حجاب چیست؟ آیا حجاب محدودیت است یا مصونیت؟

**مهدیان:** در حال حاضر اکثریت، حجاب را محدودیت می‌دانند، با این که در واقع مصونیت است.

**شکیبافر:** شما که به عنوان یک دانش‌آموز دبیرستانی حجاب را

**محمدی:** اگر پوشش ما کامل نباشد، با نگاه‌های آلوده‌ی دیگران انرژی منفی به ما منتقل می‌شود و بر روح و روان خودمان نیز تأثیر بد می‌گذارد



انتخاب کرده‌اید چه دیدگاهی دارید؟ در آن محدودیت می‌بینید یا مصونیت؟

**مهدیان:** اگر خودمان حجاب را انتخاب کنیم، محدودیت نیست، زیرا انتخابی آگاهانه است. ولی مشکلی که وجود دارد و شاهد آن هستیم، این است که بعضی از هم‌کلاسی‌ها و دوستانم، حجاب را به جای مصونیت محدودیت می‌دانند و می‌گویند چادر دست و پاگیر است و برای مثال، آن را مشکلی برای رفتن به کوه و مراکز تفریح می‌دانند. **شکیبافر:** شما در پاسخ به کسانی که حجاب را محدودیت می‌دانند چه نظری دارید؟ خود من با چادر رانندگی هم کرده‌ام و مشکلی نداشته‌ام.

**مهدیان:** چادر برای من محدودیتی ایجاد نکرده و با آن به کوه هم رفته‌ام. البته دوستانم می‌گویند که در این گونه فعالیت‌ها بدون چادر عادت کرده‌ایم و چادر ما را در انجام این کارها محدود می‌کند.

**شکیبافر:** ما خیلی نباید حجاب را دور از محدودیت بدانیم چرا که حجاب نوعی محدودیت نیز هست.

**جزایری:** وقتی می‌گوییم محدودیت، اعتقاد من این است که دین ما دین حد و حدود است و خط قرمزها و چهارچوب‌های مشخصی برای ما تعیین کرده است. مهم‌ترین ویژگی انسان مؤمن، این است که در این حریم و چارچوب، مرزبان باشد. این که می‌گوییم محدودیت، به حجاب محدودیت است چرا که زن مسلمان قرار نیست حریم‌شکن باشد و البته یک جاهایی انسان محدود می‌شود. طبیعتاً کسی که یک بلوز و شلوار پوشیده است، راحت‌تر از کسی است که چادر دارد و می‌خواهد آن را به خوبی حفظ کند و کارهایش را نیز انجام دهد. به هر حال، حجاب دارای محدودیت است. محدودیت در جامعه‌ی ما، هم بار مثبت و هم بار منفی پیدا کرده است. از آن جهت که حد مشخص شده‌ی دین و مرز تعیین شده‌ی است، در صورت معتقد بودن به دین، ملزم به رعایت آن هستیم.

اما اگر خارج از دین باشیم، خواستیم می‌پذیریم و نخواستیم نمی‌پذیریم. مشکل ما همان نؤمن بعض و نکفر بعض است. یعنی طبق گفته‌ی قرآن، بعضی‌ها بخشی از این کتاب الهی را گرفته و بخش دیگر را رها کرده‌اند. قرآن در زندگی‌های ما، تکه پاره شده است. عده‌ای به بعضی از احکام آن عمل می‌کنند و عده‌ای قسمت‌های دیگری از قرآن را قبول دارند؛ قسمت‌هایی که منافع آنان را تأمین می‌کند. این رفاه‌طلبی‌ها و افراط و تفریط‌ها، تعادل را از بین می‌برد.

بعضی از افراد محدودیت‌ها را به دلیل پای‌بندی به این حکم الهی می‌پذیرند و نشان می‌دهند که عقیده‌ی آن‌ها برایشان ارزشمند

است. چرا که با پذیرفتن آن عقیده، بعضی از مسائل دشوار را هم برای خودشان قبول می‌کنند و برای حفظ ارزش‌ها از برخی چیزها می‌گذرند. در بحث حجاب و بحث تعلیم و تربیت به‌ویژه در دوران نوجوانی، باید با روحیات و شرایط روانی دوره‌ی نوجوانی آگاه باشیم تا بتوانیم نقش تربیتی داشته باشیم. انسان‌ها، لایه‌های فکری متفاوتی دارند. از جمله برای بسیاری از فعالیت‌های روزمره و حتی برای تبلیغات اقتصادی کلان دنیا، از ظاهر و جسم زن بهره‌برداری می‌شود. مثلاً تبلیغاتی که در کشورهای غربی می‌شود، بیش‌تر با تکیه بر جنسیت زن است و با توجه به واکنش‌های جسمی او برنامه‌ریزی می‌کنند. در کشورهای غربی، از زن به عنوان یک وسیله و ابزار برای فروش اجناس استفاده می‌کنند، در صورتی که لاستیک ماشین، نیازی به تبلیغ از طریق یک خانم برهنه ندارد. جز این که می‌خواهند توجه بینندگان را به آن‌ها جلب کنند تا اجناس خودشان را به فروش برسانند.

### چادر بهترین حجاب

**محمدی:** به محض این‌که در خصوص حجاب صحبت می‌کنیم، بحث چادر مطرح می‌شود. البته چادر بهترین حجاب است ولی نباید این‌گونه، که در بعضی مدارس هست، اجباری باشد. باید انواع حجاب را توضیح دهیم. حجاب فقط چادر نیست که احياناً اگر دست و پاگیر شد حساسیت ایجاد کند. اگر خانم‌ها بفهمند باید در چه حدی حجاب را رعایت کنند، مشکل ساز و دست و پاگیر نخواهد بود.

**طالب‌نسب:** چادر محدودیتی‌هایی دارد ولی چون پذیرفته‌ایم که مسلمان هستیم پس باید این محدودیت‌ها را هم بپذیریم. بعضی‌ها این محدودیت‌ها را می‌پذیرند و بعضی‌ها نمی‌توانند با آن کنار بیایند.

**شکبیافر:** اگر دختر جوانی در خصوص فایده‌ی حجاب از شما سؤال کند، چه جوابی به او می‌دهید؟

**زارعی:** بیش‌ترین فایده‌ی حجاب، امنیت است که برای رعایت‌کننده‌ی آن ایجاد می‌کند.

**محمدی:** حجاب برای رعایت‌کننده‌ی آن ایجاد امنیت می‌کند و به او آرامش روحی می‌دهد. معلم ما هم در این خصوص می‌گوید: ما که با این پوشش در جامعه ظاهر می‌شویم، نگاه‌ها به سمت ما کشیده نمی‌شود و باعث جلب توجه نمی‌شویم. اگر پوشش ما کامل نباشد، دیگران با نگاه‌های خود انرژی منفی را به ما منتقل می‌کنند، به‌طوری که بر روح و روان خودمان نیز تأثیر می‌گذارد. حجاب یک حریم است و با دارنده‌ی نگاه هوسبازان، به‌طوری که باعث آرامش خاطر می‌شود.



**زارعی:**  
بیش‌ترین  
فایده‌ی

حجاب، امنیت  
است که برای  
رعایت‌کننده‌ی  
آن ایجاد  
می‌کند.



**مهدیان:**  
چادر برای من  
محدودیتی  
ایجاد نکرده  
و با آن به کوه  
هم رفته‌ام



برعکس، بی‌حجابی که هر لحظه احساس می‌کند شاید مزاحمتی برایش ایجاد شود، پیوسته در اضطراب است.

**مهدیان:** وقتی حجاب را رعایت می‌کنیم مزاحمت در جامعه کاهش می‌یابد. برای مثال، وقتی در خیابان راه می‌رویم، برای آن کس که بی‌حجاب است مزاحمت بیش‌تری ایجاد می‌شود، اما کسی که با حجاب و وقار است مورد احترام هم قرار می‌گیرد. هم‌چنین با تعریف و تمجید مردم از بی‌حجاب‌ها، در جلسات و مناسبت‌ها، بی‌حجاب‌ها به‌طور ضمنی مسخره و تحقیر می‌شوند.

**شکبیافر:** شما خانم مهدیان مهم‌ترین فایده‌ی حجاب را در چه می‌بینید؟

**مهدیان:** در ایجاد آرامش و امنیت.

**شیرخدايي:** در مورد فایده‌ی حجاب، کافی است آن را یک تکلیف الهی بدانیم و می‌دانیم هیچ حکمی از احکام خدا بدون حکمت نیست. از جمله این حکمت‌ها، این است که می‌خواهد ما را در کوتاه‌ترین مسیر به سر منزل مقصود برساند و به هر نسبت که به حکم الهی حجاب نزدیک‌تر باشیم و به آن بهتر عمل کنیم، قطعاً از ثمرات آن بیشتر برخوردار خواهیم شد و خلاصه هر کس به هر نسبتی که به احکام الهی توجه کند، به همان نسبت بهره‌مند می‌شود. اصولاً در جامعه‌ای که حریم‌های الهی حفظ شود، شخصیت زن مورد توجه قرار می‌گیرد نه ابعاد جنسیت و زیبایی اندام او.

خدا با قرار دادن این حکم، می‌خواهد بحث جنسیتی را در حریم خانواده‌ها محدود کند تا سلامت فردی که حجاب را رعایت می‌کند تضمین شود. مردی که نقطه‌ی مقابل او در جامعه است و سایر افرادی که با او ارتباط دارند نیز از چنین فضای سالم اجتماعی بهره‌مند می‌شوند. حتی وقتی خود اروپایی‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی را تفکیک کردند، میزان پیشرفت آنان در تمام زمینه‌ها از جمله اختراع و مسائل علمی و سایر زمینه‌ها افزایش یافت، چرا که آن امنیت خاطر و آرامش برقرار شد و فکر افراد به سمت هدفی که دنبال می‌کنند، معطوف گردید و دیگر کسی دنبال آن نبود که چه تیبی بزند یا مدت‌های طولانی پای میز آرایش بنشیند که خودش را با کیفیت مورد قبول دیگران آرایش کند.

**شکبیافر:** البته حجاب هم سلسله مراتبی دارد. قرآن اولین مرحله‌ی حجاب را از نوع بصری اعلام کرده است و به مردان و زنان می‌گوید تا چشمانشان را بیوشانند. به این ترتیب حیای چشم، که در قرآن به آن تأکید شده، اولین مرحله‌ی حجاب است.

ادامه دارد